

مالیات بر ارزش افزوده

انتقال مالیات

از درآمد به مصرف*

در این همایش، ابتدا می‌خواهم به این نکته اشاره نمایم که پیش‌نویس لایحه مالیات بر ارزش افزوده در وزارت امور اقتصادی و دارایی تهیه شده و به هیأت دولت فرستاده شد و اکنون در کمیسیون اقتصادی هیأت دولت تحت بررسی می‌باشد. بنابراین لازم است که مسائل و خصایص این مالیات به خوبی شناخته شود و راهکارهای اجرایی این نوع مالیات، مخصوصاً با توجه به شرایط خاص در هر کشور برای آن پیش‌بینی گردد. یکی از عملکردهایی که برای اولین بار در تاریخ نظام مالیاتی ایران انجام شده است، همین نوع مالیات است که در کنار سایر کارهایی که در زمینه نظام اقتصادی برای اولین بار انجام شده، جای گرفته است.

آشکار است که مالیات بر ارزش افزوده، انتقال مالیات از درآمد به مصرف است

*- متن سخنرانی جناب آقای دکتر حسین نمازی؛ وزیر محترم امور اقتصادی و دارایی، در همایش «نقش و

جایگاه مالیات بر ارزش افزوده در اقتصاد ایران» - ۱۷ اردیبهشت ماه ۱۳۸۰، تهران

و زمینه‌ای را فراهم می‌سازد، تا با ایجاد منابع لازم برای سرمایه‌گذاری و افزایش تولید، اقتصاد ما را رونق بخشد. مالیات بر ارزش افزوده در بسیاری از کشورهای جهان اعمال می‌شود و طبعاً کشورهایایی که هنوز این مالیات را پیاده نکرده‌اند به دنبال اجرای آن هستند بنابراین اقدامات مقدماتی را در این زمینه انجام داده‌اند.

نسبت این مالیات به کل وصولی مالیاتها، در کشورهای مختلف، متفاوت است. معمولاً در بعضی کشورها حدود ۲۵ - ۳۰ درصد و در بعضی نیز به ۵۰ درصد هم می‌رسد، در کشور ایران در فاصله سالهای (۷۶-۷۷ و ۷۸) بطور متوسط، چیزی حدود ۱۱ درصد بوده و در سال ۷۹ عملکرد آن نسبت به کل مالیات بر فروش و مصرف، به حدود ۱۶ درصد رسیده است. علی‌رغم اینکه، ۱۱۸ میلیارد ریال مربوط به مالیات بر سیگار وارداتی وصول نشده بود و در تبصره ۶ نیز بیشتر مالیاتی بود که از انشعاب خطوط تلفن جدید گرفته بودند، این افزایش، باعث ارسال ۷۸ نسبت مالیاتی به حدود ۱۳ تا ۱۳/۵ درصد برسد و در سال ۱۳۷۹، عملکرد به ۱۶ درصد افزایش یافت. لازم به توضیح است که مالیات بر فروش چند مرحله‌ای؛ که همان مالیات بر ارزش افزوده است، از کالاها و خدمات واسطه‌ای و بصورت نسبی دریافت می‌شود. این کار زمینه اخذ مالیات مضاعف را از بین می‌برد و موجب ایجاد یک تکرار مالیاتی می‌شود؛ که در آن فروشندگان پرداخت‌کننده مالیات برای کالاها و خدمات واسطه‌ای یا حقوق و دستمزد باید فوراً آن را دریافت کنند. بنابراین سرمایه‌گذاری خالص، مشکل مالیات نیست و از این طریق حتی تولید نیز تشویق می‌شود. از نکاتی که در زمینه مالیات بر ارزش افزوده قابل تأمل است، اثر تنازلی این مالیات می‌باشد. با توجه به اینکه نرخ، ثابت است به صورت نسبی بیشترین فشار مالیاتی، به اقشار کم‌درآمد وارد می‌شود. برای جبران این فشار بعضی از کالاها و خدمات، که استراتژیک بوده و جنبه حساسی دارند، مورد توجه قرار می‌گیرند؛ در نتیجه می‌توان اثر تنازلی را محو نمود. همین‌طور اگر برای بعضی از بخشها، مانند کالای صادراتی تشویق‌هایی در نظر گرفته شود، این امکان وجود دارد که اثر تنازلی کمرنگ شود. همچنین اعمال نرخ صفر در مالیات بر

ارزش افزوده وجود دارد که براساس آن، عملاً مالیات بر نهاده‌ها به عرضه‌کنندگان مسترد می‌شود و در نتیجه مصرف‌کنندگان بار مالیاتی را تحمل نمی‌کنند.

یکی از مزایای مالیات بر ارزش افزوده اصل عام بودن و سادگی آن است این سیاست، در مجموع کالای مصرفی و هر فردی را که در جامعه مصرف‌کننده است، در برمی‌گیرد. صرف‌نظر از استثنائاتی که به آن اشاره شد و معافیت‌هایی که برای بعضی از کالاها و خدمات پیش‌بینی می‌شود، عام بودن این سیاست، زمینه را برای اجرا و تحقق اصل دیگر مالیات؛ یعنی اصل عدالت مالیاتی فراهم می‌کند که حتی در این مورد نیز اصل سادگی مالیات بر ارزش افزوده، نسبت به بعضی از مالیاتهای دیگر مطرح است. از ویژگیهای دیگر این مالیات، اصل جلوگیری از اعمال سلیقه‌های شخصی است. زیرا نرخ مشخص است و روش وصول هم روشن، و زمینه برای اعمال نظر شخصی بوسیله ممیز مالیاتی وجود ندارد. لازم به ذکر است بحثها و درگیریهایی که در موارد دیگر مالیاتی وجود دارد، معمولاً به کمیسیون حل اختلاف کشیده می‌شود و به مالیات بر ارزش افزوده تسری نمی‌یابد. در واقع با این نوع از مالیات قدمهای لازم برای جلوگیری از اعمال نظر شخصی برداشته خواهد شد. شفافیت هم در این مالیات وجود دارد، و باتوجه به اینکه از اعتبار مالیاتی استفاده می‌شود، باید فاکتورها و اسناد دقیقاً ارائه شود که در این مورد به اصل شفافیت کمک می‌کند و اطلاع بیشتری نیز حتی در زمینه بقیه مالیاتها و وصول دقیقتر و عادلانه‌تر آنها فراهم می‌آورد. آنچه که اهمیت دارد این است که برای وصول مالیات بر ارزش افزوده، چند نکته باید رعایت شود؛ زیرا در غیراینصورت نمی‌توان امیدوار بود که این مالیات، با موفقیت وصول گردد. بنابراین قبل از وصول این مالیات، مسئله پیدا کردن روش کار در مالیات بر ارزش افزوده مهم است که مانند سایر عملکردها، نیاز به تجهیزات و تدارک لازم دارد. اما متأسفانه تجربه ثابت نموده است در زمینه‌های اجرایی؛ تصمیماتی در کشور اتخاذ می‌شود، بدون اینکه برای آن تمهیدات کافی در نظر گرفته شده باشد و حتی زمان لازم برای ایجاد شرایط و امکانات مورد توجه قرار نمی‌گیرد. بنابراین معمولاً بدون پیش‌بینی‌های مقطعی و

امکانات لازم، برنامه‌ای آغاز می‌شود و از همان ابتدا نیز با مشکل روبرو می‌گردد و طبعاً کاری که از همان ابتدا با مشکل همراه است، بدبینی و ناراحتی ایجاد می‌نماید و اثر ناخوشایند، بر روی مراحل بعدی خواهد گذاشت.

ثانیاً باتوجه به جدید بودن این نوع مالیات، تبلیغات کافی جهت آشنا نمودن مؤدیان مالیاتی به مالیات بر ارزش افزوده، ضروری بوده و بیان ضرورت این مالیات نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. همچنین آموزش کافی برای کادر مالیاتی ذیربط و نیز برای مؤدیان، اساسی می‌باشد. بهتر است فرمهای مناسبی که متناسب با انواع کالا و خدمات است تهیه شود و آگاهی لازم در مؤدیان حاصل شود و همین‌طور باید تشویق به استفاده از ماشین صندوق که می‌تواند کار محاسبه و جریان وصول مالیات را سریعتر سازد، تدارک دیده شود. علاوه بر این موارد یک سیستم نظارتی قوی هم نیاز است. اگرچه سیستم اجرای قانونی خودش می‌تواند، نوعی نظارت خودکار بوجود آورد، اما به هر حال وجود یک نظارت قوی واجب است، بخصوص برای اینکه این سیستم مالیاتی، در مراحل اولیه، به خوبی جا بیفتد. باید گفت که این کار به سازمان و تشکیلات اجرایی مناسبی که متناسب با قانون و شرایط فرهنگی - اجتماعی باشد، نیاز دارد. چه بسا لازم است در سازمان مالیاتی (که در برنامه سوم پیش‌بینی و آئین‌نامه آن هم تدوین شده است)، معاونتی مستقل برای مالیات بر ارزش افزوده پیش‌بینی شود. در واقع سازمان مالیاتی نیز، یکی از اقداماتی است که در کشورها سابقه نداشته و برای اولین بار مطرح شده است.

امید می‌رود که مالیات بر ارزش افزوده جایگاه خود را به دست آورد. البته هدف از همه مالیاتها؛ از جمله این نوع مالیات، تأمین اهداف مالیاتی است که باید در حدامکان رعایت اصول آن فراهم شود. به نحوی که تخمین درآمد دولت، از محلی که مناسب است، وصول شود و به بعضی از اهداف اقتصادی مثل؛ رشد اقتصادی، اشتغال، رعایت عدالت مالیاتی، اصل سهولت در وصول مالیات، اصل شفافیت، اصل عام بودن آسیمی نرساند. این موارد، همه در جهت ساختن اقتصادی سالم ضروری می‌باشند، پس باید

اهداف سیاستهای اقتصادی را، حتی المقدور به وسیله یکی از ابزارهای مهم سیاستهای مالی یعنی؛ سیاستهای مالیاتی تأمین نمود.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی